



What Threatens the Quality of the Iran's national Governance: Bad Policies, Lack of Necessary Policies, Delayed Policies

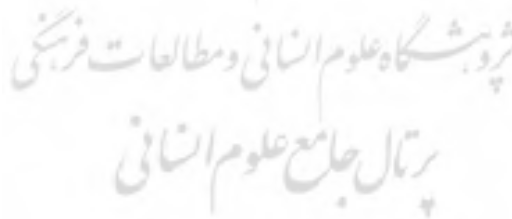
Hassan DanaeeFard*

Professor, Public Administration Department, Faculty of Management and Economics,
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract:

The most important instrument of governments for governance is public policy. The better the quality of the policies, the better the quality of national governance. Anyway, the governments do not always succeed in establishing well-qualified and timely policies. Accordingly, as "bad decision, indecision, and delayed decision" threatens the country; Adoption of bad public policies, lack of necessary public policies, and delays in adopting appropriate public policies threaten the quality of governance as a cornerstone of governance. In this issue I want to talk about bad policies, lack of necessary policies and delayed policies and their effects.

Keywords: Governance, Bad Policies, Lack of Necessary Policies, Delayed Policies.



* Email: hdanaee@modares.ac.ir

آنچه کیفیت حکمرانی ملی کشور را تهدید می‌کند: خط‌مشی‌های بد، نبود خط‌مشی‌های لازم، خط‌مشی‌های تأخیری

حسن دانائی‌فرد*

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۱۴۰۰/۱۲/۰۷

چکیده:

مهم‌ترین ابزار اعمال حکمرانی حکومت‌ها، خط‌مشی‌های عمومی است. هرچه کیفیت خط‌مشی‌ها بهتر باشد کیفیت حکمرانی ملی بهتر خواهد بود. اما حکومت‌ها همیشه در اقامه خط‌مشی‌های با کیفیت و بهنگام موفق نیستند. بر این اساس همان‌طور که «بد تصمیمی، بی‌تصمیمی، تصمیم‌گیری تأخیری» کشور را تهدید می‌کند؛ اتخاذ خط‌مشی‌های عمومی بد، فقدان خط‌مشی‌های عمومی لازم و تأخیر در اتخاذ خط‌مشی‌های عمومی مناسب، کیفیت حکمرانی را به عنوان رکن رکین کشورداری تهدید می‌کند. در این شماره می‌خواهم در مورد خط‌مشی‌های بد، نبود خط‌مشی‌های لازم و خط‌مشی‌های تأخیری و آثار آن‌ها صحبت کنم.

واژگان کلیدی: حکمرانی، خط‌مشی‌های بد، نبود خط‌مشی‌های لازم، خط‌مشی‌های تأخیری.

*رایانامه: hdanaee@modares.ac.ir

نوع مقاله: سخن سردبیر

DOI: 10.22034/jipas.2021.145742

شاپا چاپی: ۶۲۵۶-۲۶۷۶

شاپا الکترونیک: ۲۶۷۶-۶۰۶X



مقدمه

در فرآیند کشورداری، یعنی عمل به هم پیوند دادن حکمرانی ملی، اداره امور عمومی و امور جاریه جامعه (Farazmand & Danaeefard, 2021) حکمرانی، هویت بخش دو عنصر دیگر خواهد بود. در ساده‌ترین تعریف از حکمرانی می‌توان آن را «عمل هدایت کلیت جامعه به سمت اهداف عالی‌ه مصرح در قانون اساسی هر کشور» تعبیر کرد. بر این اساس، هر حکومتی به این آرزو یا واقعیت می‌اندیشد که چه کند که مردمانش در فضای محتوای قانون اساسی کشور بیندیشند، بر سیاق آن رفتار کنند و گفتار خود را بر منویات آن استوار سازند. به عبارتی کوتاه «حکومت چه کند که آن‌طور که خود می‌خواهد مردمانش فکر کنند، رفتار کنند و سخن بگویند». این درخواست به ظاهر خودخواهانه در نگاه نخست نوعی دیکتاتورمآبی به ذهن می‌رسد ولی اگر در کُنه هر نوع کشورداری با هر نوع فلسفه سیاسی و هر ایدئولوژی مذهبی یا دینی غور شود چنین آرزویی وجود دارد؛ زیرا هر حکومتی، قانون اساسی خود را میثاق ملت و حکومت می‌داند که مورد توافق درصد بالایی از مردم آن کشور است و همه اکثریت بر خوب بودن آن صحنه گذاشته‌اند و راه تعالی و پیشرفت خود را در اجرای محتویات چنین قانونی می‌دانند؛ اگرچه عملکرد هر حکومتی ذیل هر نوع قانون اساسی در گذر زمان ممکن است برخی‌ها را نسبت به آن قوانین بدبین سازد. اینجا همان جایی است که دیگرانی، مردم کشور را راهبری می‌کنند و بر اندیشه، رفتار و گفتار آن‌ها سلطه پیدا می‌کنند؛ یعنی اذهان، افواه و اعمال آن‌ها را تسخیر می‌کنند. در این حالت هزینه‌های عظیم حکمرانی نفعی برای حکومت (که همان تبعیت‌پذیری ملی است) نخواهد داشت.

مهم‌ترین ابزار اعمال حکمرانی حکومت‌ها، خط‌مشی‌های عمومی است. خط‌مشی‌ها را می‌توان «مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها، پروژه‌ها و اقدامات عملی نامید که به قصد حل مسئله‌ای، بهبود اوضاعی یا شکار فرصتی از جانب حکومت‌ها اقامه می‌شود.» این خط‌مشی‌ها دو ساحت تنظیمی و عملی دارند. ساحت تنظیمی آن‌ها، مجازها و نامجازهای فکری، رفتاری و گفتاری آحاد جامعه (افراد، گروه‌ها، تیم‌ها، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها و ...) را مشخص می‌کند و ساحت عملی خط‌مشی‌ها، اقدامات عینی و عملی حکومت‌ها برای حل مسائل عمومی را نشان می‌دهد. هرچه کیفیت این خط‌مشی‌ها بهتر باشد کیفیت حکمرانی ملی بهتر خواهد بود (دانائی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۷). اما حکومت‌ها همیشه در اقامه خط‌مشی‌های با کیفیت و بهنگام موفق نیستند. بر این اساس همان‌طور که «بد تصمیمی، بی‌تصمیمی، تصمیم‌گیری تأخیری» کشور را

تهدید می‌کند (دانائی فرد، ۱۳۹۸)، اتخاذ خطامشی‌های عمومی بد، فقدان خطامشی‌های عمومی لازم و تأخیر در اتخاذ خطامشی‌های عمومی مناسب کیفیت حکمرانی را به عنوان رکن رکین کشورداری تهدید می‌کند. اگرچه «بد» در پارادایم تفسیری، نوعی ساخت اجتماعی است و «امری» نسبی تصور می‌شود ولی در نگاه اسلامی هر ارزشی را نمی‌توان نسبی تصور کرد. در نگاه اسلامی آنچه «حرمت خدا، انبیا و ائمه و اولیای خداوند» را مخدوش می‌سازد «بد» تصور می‌شود. در عین حال برخی از «بدها» ساخت اجتماعی هستند.

خطامشی‌های بد

با این توصیف با توجه به فضای گفتمانی جامعه خطامشی‌های بد را می‌توان به مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، مصوبات و اقدامات حکومتی و دولتی تصور کرد که:

- آحاد جامعه را نسبت به حکومت، دولت و تمدن اسلامی که دولتمردان و خواص خاص مدعی آن هستند، بدبین می‌سازند.
- وحدت و انسجام آحاد ملت را قربانی گروگانگیری‌های سیاسی می‌کنند.
- عشق و علاقه، غیرت و جوانمردی را نسبت به کشور و مردم کشور در افراد جامعه کمرنگ می‌کنند.
- میان آنچه سیاستمداران و خطامشی‌گذاران کشور مدعی آن هستند یعنی حکومت اسلامی، ولی‌مسلمین و پیروان و امت فاصله می‌اندازند.
- بذر تفرقه، رقابت ناصواب، حرص و آز، لجاجت و دو دستگی را در رفتار جامعه تزریق می‌کنند.
- بی‌عدالتی، بی‌انصافی در دریافت خدمات عمومی و منابع ملی را ایجاد، حفظ و یا تشدید می‌کنند.
- روح امیدواری به کارآمدی نظام اسلامی مورد اعتقاد و باور سیاستمداران و زیست شاد در جامعه اسلامی را مخدوش می‌سازند.
- منابع و امکانات ملی را بلا استفاده می‌گذارد یا آنها را زایل می‌کنند.
- زمینه‌ساز فساد، دست‌اندازی به بیت‌المال و برهم‌زدن آرامش ملت می‌شوند.
- بی‌نتیجه هستند زیرا عوامل اثرگذار آتی بر اثربخشی آن خطامشی‌ها در پرتو آینده‌پژوهی مد نظر قرار نگرفته‌اند.

- رفع تکلیفی و واکنشی‌اند و صرفاً هزینه اجرا را بر دوش مردم تحمیل خواهند کرد زیرا ظهور و بروز حوادث آتی نه چندان دور، اثر مدنظر خطمشی‌گذاران از آن خطمشی‌ها را بی‌اثر خواهد ساخت.
- ساحت علم و عالم، ایمان و مؤمن، حریم و محترم مورد ادعای سیاستمداران و خطمشی‌گذاران در منظر عامه را زیر سؤال می‌برند.
- میراث بی‌بدیل انقلاب اسلامی، ایثارگران و پاسداران کشور، از خودگذشتگی سربازان وطن، که خطمشی‌گذاران داعیه دفاع از آنها دارند را در دیدگان مردمان کشور و ناظران بین‌المللی بد جلوه می‌دهند.
- عده‌ای را لحظه به لحظه ثروتمندتر می‌کنند و حامیان واقعی کشور و نظام اسلامی را ناامید می‌کنند.
- همه داشته‌های یک ملت را پای خودخواهی‌های خانوادگی، حزبی، بانندی و گروهی قربانی می‌کنند.
- اعتبار و حرمت، بزرگی و شوکت حکومت و مردم کشور را در ویتترین جهانی به ناحق مخدوش می‌سازند.

بر این اساس شاید بتوان گفت خطمشی‌هایی که مردم را از حکومت دور می‌سازد و چهره دین (که خطمشی‌گذاران مدعای دفاع از آن هستند) را در میان آحاد کشور بد جلوه می‌دهد و به ابزاری برای سوءاستفاده بازیگران متخاصم علیه کیان ملی و دینی ایران تبدیل می‌شود خطمشی‌های خوبی نیستند؛ خواه این خطمشی‌ها در حوزه اقتصادی باشند یا سیاسی، اجتماعی، یا طرحی نظیر طرح صیانت باشد (که شاید در خود مزایایی داشت ولی قربانی دعوای سیاستمداران و خطمشی‌گذاران شد). بی‌تردید هر خطمشی‌گذار ایرانی چه بر اساس باورهای اسلامی-دینی خود، چه بر اساس باورهای ملی-انسانی متداول خود بایستی بداند هر خطمشی بدی چه تبعاتی برای دین و دنیای مردم خواهد داشت. آینده‌بینی، دقت نظر و همه جانبه‌نگری، جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی، فضای تخصص درونی و بیرونی علیه کشور، عوامل مهمی در «شکل و محتوای خطمشی‌های ملی» خواهند بود. «لجاجت و یک‌دندگی»، «توجه محض به فرایند و بی‌اعتنایی به نتیجه» و «رویکرد تقابلی در خطمشی‌گذاری در کشورداری» در شرایط فعلی جهانی و ملی چندان مثمرتر نخواهد بود.

خلاصه آنکه «خط‌مشی‌های بد از آن جهت کیفیت حکمرانی را تهدید می‌کنند که عملکرد آن‌ها، اهداف مد نظر حکمران را محقق نمی‌سازند» و مخاطبان حکمرانی در دام حکمرانان دیگری خواهد افتاد. همان که هر حکومتی را بیمناک و هراسان خواهد ساخت و برگرداندن آن‌ها به زیر بیرق حکمرانی ملی سخت و چه بسا ناممکن است.

نبود خط‌مشی عمومی لازم

گاهی اوقات نبود خط‌مشی عمومی لازم نیز عاملی برای تهدید کیفیت حکمرانی ملی محسوب می‌شود. یک خط‌مشی عمومی ممکن است «مثبت» یا «منفی» باشد. وقتی دولت دست به مداخله‌ای در جامعه می‌زند (یعنی حل مسئله و اقدام دولت را طلب کند)، گفته می‌شود خط‌مشی صبغه‌ای مثبت دارد. اما گاهی اوقات دولت‌ها «خط‌مشی فضولی موقوف» را در پیش می‌گیرند. در این حالت خط‌مشی صبغه منفی دارد (Anderson, 2011: 3). اگرچه در این حالت دولت مداخله‌ای نمی‌کند ولی روند جاریه امور را می‌پذیرد و در واقع ادامه خط‌مشی حاکم (وضع موجود) را مفید می‌داند. در این حالت هم اگرچه دولت در ظاهر دست به اقدامی نمی‌زند ولی اقدامات در حال انجام را می‌پذیرد. در هر حال اکتفا به وضع موجود امور جاریه، همیشه اثربخش به حال جامعه نخواهد بود. همه دولت‌ها برای شناسایی خلأهای خط‌مشی‌ای در جامعه «سازوکارها، مدل‌ها و چارچوب‌هایی» دارند. دولت‌ها بایستی سبک «خط‌مشی‌سازی پیش‌دستانه» (Proactive) را در پیش بگیرند. این سبک خط‌مشی‌گذاری نیازمند آینده‌پژوهی و نگاشت آینده در هر قلمروی خط‌مشی‌ای است. نبود یک خط‌مشی لازم در کشور، علاوه بر تبعات خط‌مشی‌ای بد، ممکن است:

- وضع موجود را به نفع عده‌ای تثبیت کند و عده کثیری از مردمان جامعه همچنان از مزایای وجود یک خط‌مشی مناسب محروم بمانند. برای مثال نبود یک خط‌مشی مدون در زمینه بورسیه دانشجویان ایرانی ممکن است باعث شود صرفاً آشنایان متولیان امر موفق به دریافت بورسیه دولت شوند.
- نهادها و فرایندهای دموکراتیک کشور را بی‌پشتیبان کند، زیرا خط‌مشی‌های عمومی اثربخش حامی اصلی این نهادها و فرایندها هستند.
- حرکت جامعه به سمت و سوی زندگی مادی و معنوی بهتر را کند و جریان عرصه کالاها و خدمات به جامعه را مخدوش سازد.

- هزینه‌های تحمیلی بر خزانه ملی را افزایش دهد و مانع بهبود در شرایط موجود شود.
 - مشروعیت دولت‌ها در منظر عامه مردم را زیر سوال ببرد زیرا استمرار در «کاری نکردن» انگ ناتوانی در حل مسئله را در اذهان آحاد جامعه شکل می‌دهد. به مسئله آلودگی هوا در تهران قدری بیندیشید.
 - فرصت‌های فراروی شهروندان بدون بهره‌برداری بماند یا دیگرانی آن را برابند و استفاده کنند.
 - اعتماد و اطمینان جامعه را نسبت به خطمشی‌گذاران ملی مخدوش سازد.
 - شکاف طبقاتی ناشی از نبود خطمشی در آن عرصه را گسترده‌تر سازد.
 - سرمایه‌گذاران در کمک به کشور بلا تکلیف بمانند و سرمایه خود را از کشور خارج کنند.
 - مانع اجرای خطمشی‌های فعلی کشور شود.
- معیار دقیقی برای تعیین دقیق مفید بودن یا نبودن وجود یک خطمشی وجود ندارد، از این رو گونه‌شناسی‌های متعددی برای فعل «کاری نکردن توسط دولت» یا «اقدام نکردن خطمشی‌ای»^۱ وجود دارد. برای مثال مک‌کونل و تی‌هارت^۲ (۲۰۱۹) ضمن بحث از ماهیت «کاری نکردن دولت‌ها» مدعی‌اند انواعی از این پدیده در رفتار دولت‌ها به شرح ذیل وجود دارد:
- ۱- **اقدام نکردن حساب شده**^۳: این اقدام نکردن نوعی عمل سنجیده، راهبردی و بعضاً تاکتیکی است. در این حالت دولت‌ها ممکن است بر اساس دانش کسب شده به یقین برسند که مسئله خطمشی‌ای هنوز به بلوغ نرسیده است. باید اطلاعات و شواهد بیشتری گردآوری شود. یا این که خطمشی‌گذاران می‌خواهند با خرید زمان ببینند این موضوع بحث‌انگیز تا چه حد ممکن است «داغ» شود. خطمشی‌گذاران با محاسبه ریسک خطمشی‌ها فعلاً از هر اقدامی احتراز می‌کنند (McConnel & T' Hart, 2019). موضع کشورمان در برخی از مسائل منطقه‌ای را در نظر بگیرید.
 - ۲- **اقدام نکردن ایدئولوژیک**^۴: گاهی اوقات ایدئولوژی و ارزش‌ها اقدام نکردن هدفمند را شکل می‌دهند. بی‌تردید ارزش‌های ایدئولوژیک می‌تواند دامنه بدیل‌های یک

1. Policy inaction
 2. McConnel & T' Hart
 3. Calculated inaction
 4. Ideological inaction

خطمشی را محدود کند (McConnel & T' Hart, 2019). به موضوع بانک‌داری بودن ربا در ایران نگاه بیندازیم.

۳- **اقدام نکردن تحمیلی**^۱: گاهی اوقات نهادها، سازمان، خطمشی‌گذاران، گروه‌های سیاسی، احزاب مانع اقدام نکردن دولت در قالب خطمشی می‌شوند. موضوع بحث‌انگیز خرید خودروهای ایرانی را در نظر بگیرید.

۴- **اقدام نکردن بخاطر بیم از بدتر شدن اوضاع**^۲: گاهی اوقات بدیل‌ها، ابزارها و منابع پایا و کافی برای انجام کاری وجود ندارد. نبود امکانات پشتیبانی، نظامی، دیپلماتیک انجام اقدامات بشردوستانه برای یک کشور را ناممکن می‌سازد (McConnel & T' Hart, 2019). محدودیت‌ها و فشارهای مالی مانع افزایش حقوق معلمان می‌شود. شاید اگر حقوق‌ها را افزایش دهند مشکلات بیشتری در حوزه‌های دیگر تأمین کالا و خدمات برای کشور ایجاد شود.

۵- **اقدام نکردن ناخواسته**^۳: گاهی ممکن است اقدام نکردن ناشی از ناتوانی فرآیندهای شناختی خطمشی‌گذاران در رصد، پایش و کاربست داده‌ها و اطلاعات متنوع، حجیم و مبهم باشد که توان تصمیم‌گیری را از آنها می‌گیرد (McConnel & T' Hart, 2019). دستگاه محاسباتی انسانی بعضاً توان تنسيق یک مسئله خطمشی‌ای را ندارد. خوانندگان خود می‌توانند این گونه اقدام نکردن‌ها در میان خطمشی‌گذاران ایرانی را سراغ بگیرند.

نظریه‌پردازان این گونه‌شناسی مدعی‌اند که افراد، سازمان‌ها، دولت‌ها و شبکه‌ها می‌توانند مأخذ تولید انواع پنجگانه «اقدام نکردن» باشند. افراد و به طور خاص خطمشی‌گذاران به واسطه محدودیت‌های شناختی، سوگیری‌های حزبی، باندی و خویش‌خدمتی‌ها، سازمان‌ها با اخلال در گردآوری، دریافت، تفسیر، خلق، انتقال و اشاعه اطلاعات لازم برای خطمشی‌گذاری، دولت‌ها با در پیش گرفتن رویکرد تقابلی با حزب مخالف، گرایش‌های ملی، مذهبی و بین‌المللی خود، و شبکه‌ها از طریق ایجاد اخلال در امور، امساک اطلاعاتی، ایجاد بن‌بست شبکه‌ای می‌توانند انواع مختلف «اقدام نکردن» در پرتو فقدان خطمشی عمومی ایجاد کنند. به هر حال آثار منفی نبود

1. Imposed inaction
2. Reluctant inaction
3- Inadvertent inaction

یک خطمشی می‌تواند گذشته، حال و آینده کشور را بزرگ یا کوچک، باشکوه یا کم‌عظمت جلوه دهد.

خطمشی‌های عمومی تأخیری

یکی دیگر از عواملی که کیفیت حکمرانی ملی را تهدید می‌کند «تأخیر در اقامه خطمشی‌های لازم و مناسب» است. بهنگامی در اقامه خطمشی‌های عمومی هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته خطمشی‌ها را کاهش می‌دهد. اگر خطمشی‌ها با تأخیر انجام شود ممکن است:

- مسئله خطمشی با گذشت زمان تغییر کند. کانون تمرکز هر خطمشی‌ای رفع علل مسئله‌ای است که آن خطمشی درصدد حل آن است. سیالیت مسائل خطمشی‌ای، بهنگامی خطمشی‌ای را طلب می‌کند. وقتی مسئله تغییر کند، یعنی علل یا دلایل آن تغییر کنند، خطمشی جدید منشأ اثر نخواهد بود.
- ابزارها و سازوکارهای اجرایی خطمشی نیز متناسب با تغییر مسئله خطمشی، کارایی و اثربخشی خود را در نیل به اهداف خطمشی از دست خواهند داد.
- فرصت‌ها همیشه فراز و فرود دارند. تأخیر در تدوین خطمشی‌های مناسب، فرصت‌هایی که بایستی از قبل آن خطمشی، شکار شوند از دست خواهند رفت.
- هزینه‌های اجرا را ممکن است دوچندان کند. در حوزه خطمشی حمل و نقل کشور لحظه‌ای به بزرگراه تهران-شمال نگاهی بیفکنید. اگر فرصتی بود به پروژه‌های ناتمام بیمارستانی، جاده‌ای، ریلی و هوایی کشور نیز دقت کنید که چگونه هزینه‌های آن ده برابر شده است. این اضافه هزینه عظیم را چه کسی باید پرداخت کند؟ چه کسانی باید بتوان این تأخیر خطمشی‌ای را بدهند؟ به خطمشی‌های تأخیری در عرصه‌های مختلف کشور از ابتدای انقلاب تا زمان حاضر نگاهی کنید و پیامدهای آن را قدری تحلیل کنید.
- اقتصاد سیاسی تأخیر در تدوین خطمشی، اگرچه منافع عده‌ای را حفظ می‌کند ولی روح عامه را آزار می‌دهد و بدبینی ناسزاوار نسبت به حکومت و کشور ایجاد می‌کند.

- افق تمدنی کشوری را، اعتبار و مشروعیت مردمی دولتی را، زحمات و مشقات یک سیستمی را ممکن است به ناحق نزد همگان داخلی و خارجی مخدوش سازد.
- جبران هزینه‌ها و دریافت مزایا برای کشور و مردم محال شود.

نتیجه‌گیری

تور خطمشی‌های عمومی در قالب انواعی از قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها و اقدامات عملی دولت‌ها، بررسی حل مسائل فراروی جامعه، ارتقای کیفیت وضعیت موجود جامعه یا بهره‌مندی از دریای موج فرصت‌ها همه جوانب زندگی انسان‌ها در همه حکومت‌ها را هدف غایی خود قرار داده است. این ادعا که در عصر تحولات بنیادین، دولت‌ها از قافله پیشرفت‌ها عقب مانده و قادر به کنترل مردم نیستند «افسانه خودساخته» خود دولت‌ها است. بنابراین همه دولت‌ها در سراسر عالم با هر نوع فلسفه سیاسی راه‌گزینی برای احتراز از اقامه انواعی از خطمشی‌ها ندارند، زیرا کیفیت حکمرانی ملی هر کشوری و در نهایت کیفیت کشورداری هر حکومتی در گروهی «خطمشی‌های عمومی کارآمد، اثربخش، اقتصادی و عدالت‌محورانه» است. هر کشوری در ماتریس انتخاب خطمشی‌های ملی خود معیارهایی خاص خود دارد؛ اگرچه بی‌تردید معیارهای مشترکی نیز میان همه کشورها وجود دارد. بر این اساس، خوب یا بد بودن هر خطمشی را می‌توان با معیارهای هر جامعه‌ای به ترازوی قضاوت سپرد. از این‌رو، می‌توان با توجه به شناخت نسبت به تالار گفتمان ملی کشور و در پرتو دانش نسبت به خطمشی‌گذاری عمومی، خطمشی بد را در این کشور توصیف کرد و نویسنده هم چنین کرده است. از طرف دیگر نبود یک خطمشی مناسب، مانند وجود یک خطمشی بد می‌تواند تبعات منفی‌ای در پی داشته باشد؛ اگرچه «اقدام نکردن دولت‌ها» یا «اقامه نکردن خطمشی‌ای» برای یک موضوع بحث‌انگیزی در هر کشور می‌تواند آثار مثبتی هم داشته باشد. از طرف دیگر گاهی اوقات «نوش‌دارو بعد از مرگ سهراب» سرنوشت محتوم برخی از خطمشی‌ها خواهد بود. این نوع برخورد با مسائل عمومی نیز تبعاتی در پی دارد که بی‌تردید «از دست رفتن رفتن فرصت‌ها و تغییر در مسئله خطمشی و در نهایت هزینه بی‌منفعت خطمشی‌های برپا شده» مهمترین تبعات منفی آن خواهد بود. بر این اساس «وضع خطمشی‌های بد در کشور»، «فقدان خطمشی‌های مناسب در جامعه» و «اتخاذ

خطامشی‌های عمومی با تأخیر» کیفیت حکمرانی را یعنی «هدایت جامعه به سمت اهداف مد نظر در قانون اساسی کشور» را مخدوش خواهد ساخت و بر عکس.

مآخذ

دنائی‌فرد، حسن (۱۳۹۸). آنچه کیفیت کشورداری را تهدید می‌کند: بدتصمیمی، بی‌تصمیمی، تصمیم‌گیری تأخیری. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، سال ۳، شماره ۱، ۲۵-۱.

دنائی‌فرد، حسن، شکری، زینب، خیرگو، منصور، فانی، علی‌اصغر (۱۳۹۷). چگونگی ارزشیابی کیفیت خطامشی‌های عمومی در ایران: پژوهشی اکتشافی مبتنی بر روش شناسی ترکیبی. *مدیریت سازمان‌های دولتی*، سال ۶، شماره ۲، ۹۴-۷۹.

Anderson, J. E. (2011). *Public policymaking: An Introduction*. Boston, MA: Cengage.

Farazmand A., & Danaeefard, H. (2021). Crisismanship under the most severe sanctions: Lessons learned from the Iranian Government's Responses to the COVID-19. *International Journal of Public Administration*, 44(11-12), 1-16.

McConnell, A., & T Hart, P. (2019). Inaction and public policy: understanding why policymakers 'do nothing'. *Policy Sciences*, 52(4), 645-661.